

جریان‌های اسلامی و نظام سیاسی در جمهوری آذربایجان

محمد حق‌ی^۱

چکیده

در کشور آذربایجان طبق قانون اساسی، دین از دولت جدا بوده و پذیرش مسئولیت‌های سیاسی برای شخصیت‌های دینی ممنوع است. با توجه به ارتباطات و تعاملات فرهنگی و مذهبی جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران و تأثیرپذیری جریان‌های اسلامی این کشور از ایران و چالش‌هایی که حاکمیت آذربایجان برای جریان‌های اسلامی ایجاد می‌کند، بررسی وضعیت جریان‌های اسلامی به‌ویژه جریان‌های شیعی در این کشور و نحوه تعامل نظام سیاسی با این جریان‌ها ضرورت دارد (ضرورت). مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که جریان‌های اسلامی در جمهوری آذربایجان چه جایگاهی داشته و نحوه تعامل متقابل آنها با حاکمیت سیاسی چگونه است؟ (سؤال). اگرچه دین و مذهب اکثریت مردم جمهوری آذربایجان، اسلام و تشیع است، پتانسیل مذهبی بالایی در این کشور وجود داشته و جریان‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به فعالیت و کنش‌گری می‌پردازند و لکن حاکمیت آذربایجان در حد اسلام سکولار و غیرسیاسی آنها را پذیرفته و نمی‌خواهد این اسلام سکولار به اسلام سیاسی تبدیل شود. بنابراین، محدودیت و ممنوعیت‌های زیادی برای فعالیت‌های دینی و مذهبی، از جمله ممنوعیت حجاب، برگزاری مراسم مذهبی، کنترل شدید

^۱ دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، دکتری مدرسی انقلاب اسلامی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی البرز.

شخصیت‌ها و رهبران مذهبی، تعطیلی برخی مراکز مذهبی و مسدود نمودن برخی وبسایت‌های فعال دینی را اعمال نموده است. این محدودیت‌ها ناشی از عواملی همچون ماهیت سکولاریستی نظام سیاسی، ویژگی چندگانگی فرهنگی جامعه آذربایجان، گرایش‌های سکولاریستی حاکمان و برخی اقدامات جریان‌های اسلامی است (یافته). در این مقاله جهت تبیین بحث، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است (روش پژوهش).

واژگان کلیدی: جمهوری آذربایجان، نظام سیاسی لائیک، جریان‌های اسلامی، اسلام‌گرایی.

مقدمه

کشور آذربایجان با جمعیت حدود ۱۰ میلیون نفر (1: worldometers, 2020) و با اکثریت مسلمان، دومین کشور شیعه جهان اسلام است که در مرزهای شمالی کشور ما ایران واقع شده و اشتراکات مهم فرهنگی، دینی و تاریخی با ایران دارد. این کشور پس از استقلال از شوروی که در دوران حاکمیت کمونیسم تحت تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی و ضددینی قرار گرفته بود، درصدد بازگشت به هویت خود و به دست آوردن هویتی مستقل از دوران شوروی بوده و این امر ادامه دارد. این کشور به دلیل داشتن ویژگی‌های خاص فرهنگی و ژئوپلتیکی، از جمله موقعیت راهبردی، اکثریت مسلمان و شیعه، حکومت لائیک، رشد اسلام‌گرایی و خلأ اعتقادی و فرهنگی، دارای اهمیت است. یکی از مسائلی که در ارتباط با کشور آذربایجان از اهمیت خاصی برخوردار است، وضعیت جریان‌های اسلامی به‌ویژه جریان‌های شیعی در این کشور است که اغلب با جریان‌ها و مراکز دینی در جمهوری اسلامی ایران مرتبط هستند؛ به‌خصوص با توجه به اینکه قانون اساسی این کشور لائیک بوده و پذیرش مسئولیت‌های سیاسی برای شخصیت‌های دینی ممنوع است. حاکمیت سیاسی در آذربایجان نیز با استناد به این قانون، محدودیت‌های شدیدی را برای فعالیت‌های دینی اعمال می‌نماید. همین مسئله، اهمیت بررسی وضعیت جریان‌های اسلامی و روابط و نحوه تعامل آنها با نظام سیاسی در این کشور را برای ما دوچندان می‌کند و در ادامه به همین موضوع پرداخته می‌شود.

ساختار دینی در جمهوری آذربایجان

الف) تاریخچه دینی و مذهبی

پیش از ورود اسلام به نواحی شمالی رود ارس در قرن هفتم، این منطقه به دلیل نامتجانس بودن بافت نژادی، محل برخورد و صحنه رقابت ادیان گوناگون بود و مذاهب منطقه از جمله آتش‌پرستی، زرتشتی، بت‌پرستی، مزدکیسم، شمنیزم، یهودیت و مسیحیت در آن فعالیت می‌کردند. دین اسلام در قرن هفتم میلادی به‌وسیله اعراب

به سرزمین‌های ایرانی آن سوی ارس نفوذ کرد و به تدریج، جایگزین دین مسیحیت شد. پیشروی مسلمانان در قفقاز، از آذربایجان ایران شروع شد. در سال ۲۲ق، مردم دربند با اسلام آشنا شدند و دین اسلام اندکی پس از آشنایی مردم آذربایجان با آن، دین اصلی آنها شد و به‌عنوان دین مسلط تا به امروز تداوم یافته و تشیع از زمان ظهور صفویان، به تدریج در این منطقه رشد و گسترش پیدا کرده است (جباری، ۱۳۸۹: ص ۲۶).

بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، حکومت شوروی با توجه به ماهیت و اهداف خود، سیاست ضد‌مذهبی را برای ریشه‌کن کردن مذاهب را در پیش گرفت؛ چرا که مسلمانان نیروی بزرگی در شوروی بودند و استقلال و هویت دینی خود را مهم می‌دانستند. کمونیست‌ها اقدامات ضد‌مذهبی خود را در مورد اسلام با بستن هزاران مسجد و مدرسه دینی آغاز کردند، سپس به تدریج دادگاه‌های شرع و سازمان اوقاف را منحل نمودند. آنان حجاب اسلامی را ممنوع اعلام کردند (انصاری مهر، ۱۳۸۴: ص ۱۶۰). پس از کسب استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱م، دین به تدریج، به عرصه زندگی اجتماعی مردم بازگشت و با آنکه بسیاری از مقامات این کشور از افراد بازمانده دوره حکومت شوروی سابق بودند و خط و مشی لائیک و ملی‌گرایی را در پیش گرفتند، ولی در کنار آن، بنا به دلایل گوناگون، سعی کردند از مشروعیت و مقبولیت اسلام در چارچوب خاص خود استفاده کنند. جامعه و فضای دینی و اعتقادی جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی شوروی، شاهد تحولات و فراز و نشیب‌های فراوانی بود. این نکته را نباید از یاد برد که مردم این کشور به‌صورت اسمی مسلمان و شیعه بودند؛ ولی عاملان شریعت به‌ندرت در میان آنها مشاهده می‌شدند. با این وجود نیز دین و مذهب در خاطره مردم به روش‌های گوناگون حفظ شده بود؛ چنان‌که در حرکات استقلال‌خواهانه مردم این کشور، شعارهای اسلامی مطرح گردید و در بقای دین در جمهوری آذربایجان، علاوه بر تأییدات غیبی، باید از تلاش‌های شیعیان و مؤمنان و نقش مراسم مذهبی مرسوم و سنتی شیعیان مانند عزاداری‌ها، سفره‌های احسان، سفره‌های منتسب به ائمه اطهار علیهم‌السلام و... نام برد. به‌طورکلی، با توجه به عدم تصریح به نام دینی خاص در قانون اساسی

جمهوری آذربایجان و رسمیت نداشتن آن، شاهد آشفتگی فضای دینی با انواع تبلیغات از سوی ادیان گوناگون و نحله‌های الحادی مانند بهائیت، وهابیت، مسیحیت و حتی شیطان‌پرستی هستیم؛ ولی با توجه به شواهد و قرائن موجود، به‌ویژه حضور مردم در مناسبت‌های دینی، تعلق بسیار به فرهنگ گذشته و رشد روزافزون توجه به آیین‌ها و آموزه‌های اسلامی، اسلام در این کشور در حال تقویت و گسترش است و ارزش‌های دینی به تدریج رونق می‌یابد (جباری، ۱۳۸۹: ص ۳۲).

ب) آمار جمعیتی ادیان مختلف

پیرامون آمار جمعیتی ادیان مختلف در کشور آذربایجان اگرچه اختلاف دیدگاه‌هایی وجود دارد، لکن در تمام منابع، در اکثریت مطلق بودن مسلمانان این کشور (حدود ۹۰٪) مورد اجماع است و اغلب آمارهای موجود، جمعیت مسلمانان این کشور را از ۸۳ درصد تا ۹۷ درصد اعلام کرده‌اند (تقی‌زاده داوری، ۱۳۹۰: ۲۳). برخی منابع ۹۳/۴ درصد جمعیت آذربایجان را مسلمان اعلام نموده‌اند (۷۰ درصد شیعه و ۳۰ درصد سنی) (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۹: ۶۰، واحدی، ۱۳۸۲: ۳۱۳؛ رضایی، ۱۳۹۶: ۴۹۲). برخی دیگر ۹۶ درصد جمعیت این کشور را مسلمان می‌دانند (جعفریان، ۱۳۸۸: ۶۳۷؛ cia.govan: 23February 2020). مسیحیان (ارتدکس روسی و آپوستولیک ارمنی) دومین گروه بزرگ دینی را تشکیل می‌دهند. ارتدوکس روسی ۲/۵٪، ارتدکس ارمنی ۲/۳٪ و دیگر ادیان ۱/۸٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۹: ص ۶۰).

جمعیت شیعیان نیز یکی از مباحث مورد اختلاف میان اصحاب علم، نهادهای حکومتی، دوایر دینی و حکومتی، اسلام‌گرایان، مراکز بین‌المللی آمار و اصحاب مطبوعات این کشور بوده است. بر اساس منابع موجود، ۷۰ تا ۸۰ درصد مسلمانان شیعه هستند (همان: ص ۶۰؛ رضایی، ۱۳۹۶: ص ۴۹۲) که در ادامه به برخی از آمارها اشاره می‌شود:

۱. کتاب شیعیان جمهوری آذربایجان به نقل از برخی اسلام‌گرایان، دائرةالمعارف

بریتانیکا، پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان و برخی دیگر از مراکز بین‌المللی، به ترتیب، درصد جمعیت شیعیان این کشور را ۸۵ تا ۹۰ درصد، ۸۰/۴۴ درصد و ۷۵ درصد ذکر کرده‌اند (جباری، ۱۳۸۹: ص ۵۶).

۲. کتاب سبز وزارت امور خارجه با نام جمهوری آذربایجان، به صورت تقریبی ۷۰٪ آذربایجانی‌ها را شیعه و ۳۰٪ آنان را سنی حنفی مذهب برآورد کرده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۹: ص ۶۴).

۳. کتاب جغرافیای جهان اسلام، ۷۵ درصد مسلمانان آذربایجان را شیعه و بقیه را سنی حنفی اعلام کرده است (گلی زواره‌ای، ۱۳۸۵: ص ۲۹۵).

۴. از نظر برخی منابع دیگر، از میان جمعیت مسلمان ۹۶ درصدی آذربایجان، ۷۰ تا ۷۵ درصد شیعه هستند. البته آمار دیگری حکایت از آن دارد که ۸۳ درصد جمعیت آذربایجان شیعه و ۱۴ درصد سنی است. بیشتر اهل سنت حنفی و اندکی حنبلی هستند (جعفریان، ۱۳۸۸: ص ۶۳۷).

ج) وضعیت دین و دین‌داری

اگرچه در حال حاضر بیش از ۹۰٪ از جمعیت جمهوری آذربایجان مسلمان‌اند و این کشور دومین کشور شیعه جهان است، ولی وابستگی دینی در این کشور بیشتر اعتباری است. پیروان واقعی اسلام بسیار اندک‌اند و کمتر از ۱۰٪ از جمعیت مسلمان را مؤمنان فعال تشکیل می‌دهند که به سنت‌های اسلامی پایبند هستند و از آداب، رسوم و آموزه‌های دینی پیروی می‌کنند و تعداد اندکی از آنان مراسم، سنت‌ها و شعائر اسلامی را رعایت می‌کنند. در سال ۱۹۷۶ فقط ۱۶ مسجد و یک مدرسه علوم اسلامی در جمهوری آذربایجان به ثبت رسیده بود؛ در حالی که در پایان دوره شوروی، این رقم به ۲۰۰ واحد افزایش یافت و در ادامه، این رقم به حدود بیش از ۲۰۰۰ مسجد رسید و تعداد زیادی مدارس اسلامی و دانشکده اسلامی به نام دیپارتمان الهیات در ترکیب دانشگاه دولتی باکو فعالیت دارد. مرکز مذهبی ماورای قفقاز که در باکو قرار دارد، نظارت بر امور مذهبی مسلمانان جمهوری آذربایجان و گرجستان را

بر عهده دارد. همچنین اجتماعات مسیحی که عمدتاً نمایندگان ارتدوکس روسیه و گروهی از ارامنه به نام رهروان ارمنی هستند، وجود دارد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۹: ص ۶۴).

جمهوری آذربایجان پس از اعلام استقلال در سال ۱۹۹۱، کشور خود را یک کشور سکولار اعلام کرد؛ هرچند، دین به‌عنوان عامل مهمی در شکل‌گیری سیاست داخلی جمهوری آذربایجان در رابطه با هم‌پیمانان منطقه‌ای خود پابرجا مانده است. سکولاریسم در آغاز دهه ۹۰ هنگامی که ابوالفضل ایلچی بیگ و حیدر علی اف (رؤسای جمهور اسبق و سابق) کوشش‌هایی را برای تقویت روابط اقتصادی و سیاسی با ترکیه هوادار غرب آغاز کردند، به سرعت توسعه پیدا کرده بود. بنابراین، فرایند دولت‌سازی سکولار در جمهوری آذربایجان ادامه یافت. در راستای نظارت و کنترل فعالیت‌های مذهبی، ثبت سازمان‌های دینی به «کمیته دولتی همکاری با انجمن‌های مذهبی» واگذار شده است و کمیته حاضر این اختیار را دارد که فعالیت‌های مذهبی گروه‌هایی را که قوانین جمهوری آذربایجان را رعایت نمی‌کنند، به حال تعلیق درآورد. افزون بر اینکه این کمیته بر انتشارات، واردات و توزیع ادبیات دینی نظارت دارد (همان: ص ۶۰؛ رضایی، ۱۳۹۶: ص ۴۸۹).

هرچند که در کشور آذربایجان حاکمیت علی‌الظاهر و اسماً در اختیار مسلمانان شیعه است، ولی دولت این کشور و سایر ارکان حکومتی، دینی محسوب نمی‌شوند و این مسئله قبل از هر چیز، از ساختار حاکمیتی این کشور ناشی می‌شود. شخصیت‌های سیاسی که زمام امور کشور را در دست دارند، گرایش دینی عمیقی ندارند. آنها بیشتر به دنبال حکومتی سکولار و لیبرال هستند. امور دینی مسلمانان در آذربایجان زیر نظر اداره مسلمانان قفقاز اداره می‌شود. رهبری این اداره به عهده «الله شکور همت اوغلو پاشازاده» از شخصیت‌های روحانی سرشناس قفقاز است که از سال ۱۹۸۰ ریاست دفتر روحانیت مسلمان ماوراء قفقاز را بر عهده داشته است. شیخ‌الاسلام پاشازاده دخالت چندانی در امور سیاسی ندارد و بیشتر سعی دارد تا

زمینه احیای فرهنگ اسلامی و گسترش ارتباط با دنیای اسلام را فراهم سازد (واحدی، ۱۳۸۲: ص ۳۱۴).

جایگاه اسلام و مسلمانان

کشور آذربایجان یکی از مراکز مهم اسلامی در سالیان قدیم بوده و هنوز هم با تاریخ اسلامی و میراث درخشان شیعی ارتباط قوی دارد. دین‌داری در این کشور به طور عمده بر پایه مذهب شیعه معنا می‌یابد. اگرچه تقریباً همه آذری‌ها خود را مسلمان می‌دانند، اما نقش مذهب در سیاست و فرهنگ این ملت کمتر از کشورهایمانند افغانستان، پاکستان و ایران است. البته پتانسیل مذهبی بالایی در جامعه آذری وجود داشته و اندیشه اسلام‌گرایی در میان احزاب، انجمن‌ها و افراد مستقل طرفدار دارد. در مجموع، رسانه‌های مستقل، آموزه‌های دینی و اسلامی را تبلیغ می‌کنند. برخی احزاب سیاسی ادعا می‌کنند که مذهب بخشی از هویت ملی‌شان به‌عنوان ترک‌های مسلمان آذربایجانی است. اجزای اصلی این هویت، زبان آذری - ترکی و ایده تاریخی مشترک و نیز مجموعه‌ای از هنجارهای فرهنگی است که از پیشینه اسلامی ریشه می‌گیرد.

درحالی‌که اکثر آذربایجانی‌ها، اسلام را بخشی از هویت ملی خود تلقی می‌کنند، اما اختلاط مذهبی با حوزه سیاسی، به‌وسیله حاکمان و بخشی از روشنفکران و مردم رد می‌شود. از سوی دیگر، هرچند سنت‌ها و اعتقادات اسلامی اغلب بخش لاینفک زندگی روزمره‌اند، اصولاً به‌عنوان سنت‌های مذهبی و نه ملی دیده می‌شوند. نظر سنجی‌ها در آذربایجان، افزایش میزان نفوذ دین را نشان می‌دهد؛ اما اکثریت پاسخ‌دهندگان ترجیح می‌دهند که اسلام از سیاست و اقتصاد جدا باشد. آموزش مذهبی در آذربایجان به‌صورتی خصوصی و برای کسانی است که به یادگیری آن تمایل دارند. بعضی مراکز آموزشی از نمایندگان مذهبی برای فعالیت در خصوص مذهب دعوت می‌کنند و مشارکت در این‌گونه فعالیت‌های مذهبی آزاد است. اگرچه اکثر مردم دانش مذهبی ضعیفی دارند، ولی ساکنین این کشور، خاطره پیشینه مذهبی

خودشان را در سطوح گوناگون حفظ کرده‌اند. به‌طورکلی، درجه مذهبی بودن مردم در بعضی مناطق شیعه‌نشین مانند جنوب آذربایجان بیشتر است (اسدی‌کیا، ۱۳۸۲: ص ۱) در ادامه به بررسی و ارزیابی گرایش‌های دینی این کشور می‌پردازیم.

الف) مذهب شیعه و وضعیت شیعیان

مذهب تشیع در آذربایجان مذهب اکثریت مردم محسوب می‌شود و شیعیان با اختصاص بالاترین سهم از جمعیت به خود و نیز داشتن اکثریت در قوم غالب (آذری‌ها) از حیث توانمندی جمعیتی بالاترین مزیت را در آذربایجان دارند و به تبع این، حاکمیت و دولت نیز به طور کامل در دست آذری‌های شیعه‌مذهب است. جمهوری آذربایجان از این حیث وضع برجسته‌ای در بین کشورهای شیعه دارد. حاکمیت در آذربایجان به شکل ریاستی است و اختیارات اصلی در دست رئیس‌جمهور قرار دارد و رؤسای قوای دیگر نیز از حیث قومی و مذهبی شیعیان آذری هستند. افزون بر اینها سایر اهرم‌های قدرت نظیر نمایندگان مجلس، شهرداران، نظامیان بلندپایه و رسانه‌های گروهی نیز به شکلی تقریباً یک‌دست در دست شیعیان است (واحدی، ۱۳۸۶: ص ۸۱).

استقلال جمهوری آذربایجان و تشکیل دولت ملی به دست شیعیان فرصت مناسبی برای پیروان این مذهب بود تا از تنگنای نظام ضددینی شوروی بیرون آیند و به احیای مذهب خود همت گمارند. این رویداد توسط عوامل خارجی در منطقه قابل تقویت بود که بهترین فرصت در این خصوص وجود کشوری قدرتمند و تأثیرگذار چون جمهوری اسلامی ایران بود که برپایه ایدئولوژی منشعب از مذهب تشیع اداره می‌گردد. ارتباط سهل و روان شیعیان آذربایجان با ایران به‌ویژه مناطق آذری‌نشین، عامل خارجی دیگری است که سبب تقویت روحیه مذهبی در شیعیان آذربایجان می‌گردد. سفرهای زیارتی شیعیان آذربایجان به ایران به‌ویژه به مشهد و تحصیل طلاب علوم دینی این کشور در حوزه‌های علمیه ایران نیز می‌تواند سبب تحکیم جایگاه شیعه در آذربایجان شود؛ کما اینکه افرادی که پس از تحصیل در مدارس دینی ایران به

آذربایجان بازگشته‌اند، در ترویج اندیشه شیعی کوشیده‌اند. همچنین احزاب و گروه‌های سیاسی نظیر حزب اسلامی آذربایجان دارای گرایش‌های دین‌مدار به‌ویژه مطالبه حق آزادی فعالیت‌های دینی هستند (همان: ص ۸۸).

مساجد و مراکز فرهنگی دینی

پیش از استقرار نظام کمونیستی، در جمهوری آذربایجان قریب به دو هزار مسجد فعال بود که در دوران شوروی سابق اکثریت این مساجد تعطیل و یا تغییر کاربری دادند؛ اما در زمان جنگ جهانی دوم، حاکمان نظام کمونیستی شوروی به‌خاطر جلب حمایت‌های مردم آذربایجان و حفظ یکپارچگی کشور، برخی آزادی‌ها را در امور دینی به مسلمانان این منطقه دادند. در این برهه برخی از مساجد تعطیل شده، دوباره مشغول فعالیت شدند و با حمایت دولت، دفتر روحانیت ماوراء قفقاز برای پیگیری امور مذهبی مسلمانان تشکیل شد. علی‌رغم دادن برخی آزادی‌ها، در سال ۱۹۸۰ تعداد مساجد فعال در باکو که از مراکز رهبری مذهبی مسلمانان قفقاز محسوب می‌شد، ۷ مسجد بود که ۵ مورد آنها مساجد کوچک بودند. در طول سال‌هایی که در زمینه فعالیت‌های مذهبی مسلمانان آذربایجان محدودیت‌های شدیدی از سوی نظام کمونیستی اعمال می‌شد، بیشتر فعالیت‌های مذهبی در منازل شخصی و به‌صورت زیرزمینی انجام می‌شد (واحدی، ۱۳۸۲: ص ۳۱۳).

اما پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، بسیاری از مساجد بازگشایی شدند. دین‌داران در شهرها و روستاها به تعمیر، بازسازی و احداث مساجد پرداخته و تلاش کردند که مساجد کارکردهای گذشته خود را احیا کنند. بنا بر اعلام رئیس کمیته امور دینی دولت آذربایجان، تا سال ۱۳۸۷ شمسی ۱۷۵۰ مسجد، زیارتگاه و مکان مذهبی در جمهوری آذربایجان فعال بوده که از این تعداد ۸۰۰ مسجد به‌طور دائم فعالیت دارد که ۳۰۰ مسجد آن از سوی دولت مجوز فعالیت دریافت نموده است و قریب به ۱۰۰۰ مسجد نیز بدون مجوز فعالیت می‌کند (جباری، ۱۳۸۹: ۲۶۲). طبق آخرین آمار اعلام شده از سوی هیئت کمیته دولتی همکاری با

سازمان‌های دینی جمهوری آذربایجان، در حال حاضر ۲ هزار و ۲۴۶ مسجد در جمهوری آذربایجان وجود دارد که از این میان ۲۱۰ مسجد در نخجوان است (۱۴ تیر ۱۳۹۶: iqna.ir). از جمله مساجد معروف آذربایجان می‌توان به مساجد نظیر مسجد تازه پیر، مسجد جامع ایچری شهر، مسجد کربلایی عبدالله، مسجد مشهدی داداش و مسجد اژدر بیگ (مشترک بین شیعیان و اهل سنت) اشاره نمود. البته چندین مسجد هم به اهل سنت اختصاص دارد که معروف‌ترین آنها مسجد ابوبکر، مسجد عاشور، مسجد لزگی‌ها، مسجد شهیدلر و مسجد یاسامال است (رضایی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۴۱).

همچنین دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در محل حسینیه اهل بیت (ع) باکو به ریاست حجت‌الاسلام سیدعلی اکبر اجاق‌نژاد دایر است. فعالیت‌های این نمایندگی عبارت است از: تأسیس مدارس، ارسال طلاب به جامعه المصطفی (ص)، تألیف و تحقیق و ترجمه کتب و مقالات دینی و مذهبی، مبارزه با گروه‌های ضداسلامی و ضدشیعی، رسیدگی به مشکلات برخی از مؤمنین و پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی، اخذ وجوهات شرعی، کمک به برخی از مؤمنین برای اعزام به حج تمتع و.... البته موارد یادشده، غیر از فعالیت رسمی ایشان در این کشور است. باید یادآور شد که اخیراً (اوایل مهر ۱۴۰۰) این حسینیه به بهانه جلوگیری از شیوع ویروس کرونا موقتاً بسته شده است (مهر ۱۴۰۰: iribnews.ir).

ب) اهل سنت

در کشور آذربایجان، اهل سنت در اقلیت‌اند و اکثریت آنان حنفی هستند. بنا بر اسناد تاریخی، حنفی‌ها بیشتر در شهرهای قازاخ، تووز و آغستافا ساکن بوده‌اند. به دلیل حضور حنفی‌ها، بیشتر طرفداران و پیروان فرقه وهابیت، در مناطق سنی‌نشین شمال جمهوری آذربایجان، یعنی مناطق قبا، قصار، خاچماز، اسماعیلی، زاکاتالا، شکی، قاخ و بالاکن حضور دارند و دلیل اصلی توسعه سلفی‌ها و حنفی‌ها حمایت مؤسسات خارجی است. در باکو و همچنین در مناطق شیعه‌نشین نیز گرایش مردم و به‌ویژه جوانان آذری به این فرقه مشاهده می‌شود. در باکو سلفی‌ها توانسته‌اند

دانشگاهیان، روشنفکران و همچنین سران دولت را جذب کنند. حنفی‌ها تحت تأثیر ترک‌های ترکیه و فعالیت‌های فرهنگی - سیاسی آنان هستند. تحصیل جوانان آذری در دانشگاه‌های الهیات ترکیه، راه‌اندازی دانشکده دولتی باکو، گشایش برخی مؤسسات الهیات ترک‌ها در آذربایجان، تأسیس دانشگاه قفقاز، گسترش شبکه اسلامی (StV) در مناطق کشور، راه‌اندازی موج رادیویی اف ام بورج و برخی اقدامات دیگر ترک‌ها موجب گسترش دامنه فعالیت آنان شده است (رضایی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۶۷).

هم‌زمان با فعالیت سنی‌های حنفی، نورجی‌ها نیز فعال هستند و با ایدئولوژی سید نوری و فتح‌الله گولن فعالیت می‌کنند. نورجی‌ها در بخش آموزش، تلاش‌های قابل توجهی دارند. مبلغین نورجی‌های ترکیه، سخت مشغول تبلیغ در آذربایجان هستند. آنان مسجد می‌سازند، کالج‌ها و مدارس را تأسیس کرده‌اند و با هزاران جلد کتاب که به‌صورت مجانی پخش می‌شود، تبلیغ می‌کنند. همچنین وهابی‌های سلفی در عرصه‌های مختلف آذربایجان حضور داشته و تأثیرگذار هستند. سلفی‌های وهابی، جوانان را برای تحصیل به دانشگاه‌های عربستان سعودی اعزام کرده و دوره‌هایی را نیز در کشور راه‌اندازی می‌کنند و تبلیغات گسترده‌ای را در مناطق شمالی کشور دارند. کتب دینی بین مردم توزیع شده و سخنرانی علمای سلفی در میان مردم ایراد می‌گردد. در حال حاضر، سلفی‌ها و پیروان آنها با مرکزیت مسجد ابوبکر در باکو به امامت قامت سلیمان اف فعالیت می‌کنند. بیشتر پیروان و حاضران در این مسجد را ساکنان و اهالی مناطق شمالی آذربایجان از جمله لزگی، آوار و تات تشکیل می‌دهند (جباری، ۱۳۸۹: ص ۶۹).

نظام سیاسی و فعالیت‌های دینی

جمهوری آذربایجان به‌عنوان کشوری که بیش از ۹۰ درصد جمعیت آن مسلمان است، قانون اساسی لائیک داشته و دین از دولت جداست. با این درصد جمعیت مسلمان در این کشور، حتی کلمه «اسلام» و یا «مسلمان» در متن قانون اساسی این کشور دیده نمی‌شود، بلکه عکس آن صادق است؛ به این معنا که پذیرش مسئولیت‌های سیاسی از جمله نمایندگی مجلس ملی برای شخصیت‌های دینی

ممنوع شده است. در بند اول اصل ۷ قانون اساسی این کشور، حکومت آذربایجان، جمهوری غیردینی و لائیک معرفی شده و در بندهای ۱، ۲ و ۳ اصل ۱۸ با عنوان «دین و دولت» آمده است: «دین در جمهوری آذربایجان از دولت جداست. همهٔ ادیان و باورها در مقابل قانون برابرند»؛ «تبلیغ و ترویج ادیانی (جریان‌های مذهبی) که تحقیرکننده شأن و منزلت مردم بوده و مغایر اصول انسانی باشند، ممنوع است»؛ «نظام و سیستم آموزش دولتی سکولار و غیردینی است» (قانون اساسی جمهوری آذربایجان، اصل ۱۸).

در اصل ۲۵ قانون اساسی کشور آذربایجان، با عنوان «حق برابری»، حکومت متعهد شده بدون توجه به نژاد، قومیت، دین، زبان، جنسیت، اعتقادات و... برابری حقوق و آزادی‌های هرکسی را تضمین کند و محدود ساختن حقوق و آزادی‌های فردی و شهروندی به استناد نژاد، قوم، مذهب، زبان، جنسیت، اصل و نسب، اعتقاد، و تعلقات سیاسی و اجتماعی، ممنوع اعلام شده است. همچنین بر اساس بند ۳ اصل ۴۷ «هرگونه تبلیغی که منجر به تحریکات مذهبی شده و یا باعث تشنجات اجتماعی و خصومت گردد، ممنوع است».

اصل ۴۸ قانون اساسی این کشور با عنوان «آزادی وجدان»، به موضوع مذهب، اعتقادات و مراسم مذهبی پرداخته و در بندهای ۲، ۳، ۴ و ۵ تأکید می‌کند که «هر فردی حق دارد از موضع خویش نسبت به مذهب تعریف داشته و به صورت فردی و یا گروهی به هر مذهبی که می‌خواهد باور داشته و یا باور نداشته باشد، می‌خواهد اقرار کند و یا نکند و عقاید خود را در ارتباط با مذهب بیان و اشاعه دهد» و «هر فردی در اجرای مراسم مذهبی آزاد است؛ لیکن این امر نبایستی برهم‌زنندهٔ نظم عمومی و متضاد با اخلاق عمومی باشد». همچنین «باورها و اعتقادات مذهبی عذری برای تخلف از قانون نیست» و در نهایت «هیچ فردی نباید مجبور و ملزم به نمایش درآوردن و اعلام باور و اعتقاد مذهبی، اجرا و برقراری مراسم مذهبی و یا شرکت در مجامع و مراسمات مذهبی باشد». بر اساس اصل ۸۵ و ۸۹ شخصیت‌های دینی،

نمی‌توانند به‌عنوان نمایندگان مجلس ملی جمهوری آذربایجان انتخاب شوند و در صورتی که نمایندگان مجلس عهده‌دار مسئولیت در سازمان مذهبی شوند، از نمایندگی عزل می‌شوند (قانون اساسی جمهوری آذربایجان، اصول ۴۸، ۸۵ و ۸۹).

در مجموع بنا بر قانون اساسی کشور آذربایجان، دین از سیاست جداست. شخصیت‌های دینی نمی‌توانند عهده‌دار مسئولیت‌های سیاسی نظیر فرمانداری، نمایندگی روستا و شهر و نمایندگی مجلس ملی باشند. قانون اساسی جمهوری آذربایجان نه تنها از اسلام و مذهب تشیع که دین و مذهب اکثریت مطلق مردم این کشور است، سخنی به میان نیاورده، بلکه با بیان اینکه عدم اعتقاد به هیچ دینی آزاد است، بی‌دینی را نیز تأیید کرده است. در حال حاضر حق نگرش آزاد به دین در خدمت جریان‌هایی نظیر یهودیان وابسته به صهیونیست قرار گرفته است. این در حالی است که حدود ۸۰ درصد از مردم آذربایجان (شیعیان) علی‌رغم خواست قلبی نمی‌توانند به نحو دلخواه خود، مراسم مذهبی را برگزار نمایند. امروزه بندهای ۳ و ۴ اصل ۴۸ قانون اساسی، به دستاویز دولت جمهوری آذربایجان برای برخورد با مراسم مذهبی از جمله عزاداری ماه محرم در سطح خیابان‌ها تبدیل شده است. این در حالی است که در اولین سال‌های استقلال جمهوری آذربایجان، مراسم مذهبی در سطح گسترده‌تری در معابر عمومی این کشور برگزار می‌شد که برخی محافل لائیک و وابسته به غرب با ابراز نگرانی از این وضعیت و با استناد به قانون اساسی موصوف، محدودیت‌هایی را ایجاد کردند و در زمان حاضر مراسم مذهبی در سراسر این کشور در مساجد و حسینیه‌ها برگزار می‌شود و حضور گسترده و پرشور جوانان از ویژگی‌های این آیین‌هاست (arannews, 1391:1).

گروه‌ها و نهادهای فعال دینی

الف) سازمان‌های دینی (رسمی و دولتی)

اداره مسلمانان قفقاز

اداره مسلمانان قفقاز که از سال ۱۹۸۰ در باکو و به رهبری شیخ‌الاسلام

«الله‌شکور پاشازاده» رهبری می‌شود، قدیمی‌ترین نهاد دینی آذربایجان و منطقه محسوب می‌شود. فلسفه وجودی این اداره که بنای اصلی آن در دوره تزارهای روس نهاده شد، کنترل گرایش‌های دینی مسلمانان و دولتی و حکومتی کردن دین اسلام به‌وسیله روس‌ها بود و در دوره اتحاد جماهیر شوروی نیز به‌رغم ماهیت الحادی و آتئیستی نظام کمونیستی، این اداره پابرجا بود. مقامات دینی و مسئولین اداره روحانیت با وجود همکاری و هماهنگی مداوم با حکومت، در مواقعی که کنترل‌های دولتی کم شده، رفتارهای مستقل و مبتنی بر احیاء دینی از خود بروز داده‌اند. این رویکرد چه در دوران قبل از استقلال آذربایجان و چه بعد از آن به چشم می‌خورد. اداره روحانیت در سال‌های ابتدایی بعد از استقلال کشور فعالیت‌های دینی خود را گسترش داد و روزنامه «سلام» را منتشر کرد که بعد از اندک‌زمانی انتشار آن متوقف شد و تا یک دهه اخیر که این اداره دوباره دست به انتشار ارگان مطبوعاتی خود زده است، فاقد ارگان مطبوعاتی بود (واحدی، ۱۳۸۶: ص ۸۶).

به موجب سنت رایج در این اداره، شیخ‌الاسلام، شیعه و معاون مفتی وی، سنی است. بر اساس اساسنامه اداره دینی مسلمانان قفقاز، شیخ‌الاسلام از طرف اعضای شورای قاضیان که نمایندگان گروه‌های دینی هستند، انتخاب می‌شود. اداره دینی از نظر مالی، از دولت مستقل است. قسمت اعظم درآمد آن از صندوق نذورات مساجد و زیارتگاه‌ها تأمین می‌گردد. همچنین بخش‌های مختلف و کمک‌های مؤسسات خیریه، اداره دینی را تأمین مالی می‌کند. هیئت تفتیش اداره دینی، بر هزینه و مخارج کارکنان مساجد و نهادهای دینی نظارت می‌کند. همه کارکنان مساجد، پیرها و زیارتگاه‌ها (امام و روحانیون) به اداره دینی وابسته بوده و مسئول برگزاری عبادات و مراسم هستند. مراسم مانند نکاح، طلاق، نام‌گذاری و همچنین مراسم دفن و کفن به‌وسیله قاضیان، آخوندها و امامان انجام یا برگزار می‌شود. اداره دینی مسئول آموزش و تعلیمات دینی است. گشایش مدارس دینی، دوره‌های آموزش قرآن و نهادهای آموزش عالی دین و اعزام دانشجویان مستعد به دانشگاه‌های مختلف کشورهای

اسلامی، در حیطه کاری این نهاد است (ر.ک: جباری، ۱۳۸۹: ص ۳۰۵-۳۱۲).

کمیته امور دینی

در جمهوری آذربایجان علاوه بر فعالیت اداره مسلمانان قفقاز، کمیته امور دینی نیز به وسیله دولت تأسیس شده است. هدف این کمیته، رسیدگی، نظارت و کنترل بیشتر بر امور تشکل‌های دینی کشور، ثبت رسمی تشکل‌های دینی و تحت تابعیت دولت درآوردن امور مالی، فعالیت‌ها و سیاست‌های کاری تشکل‌های دینی است (جباری، ۱۳۸۹: ص ۳۱۱).

ب) احزاب و گروه‌های شیعی غیردولتی

اگرچه در کشور آذربایجان، احزاب و تشکل‌های متعدد دینی شیعیان وجود دارد، لکن محدودیت‌های بسیاری نیز بر سر راه این تشکل‌ها وجود دارد و حکومت تلاش می‌کند تا مساجد، زیارتگاه‌ها، اماکن مذهبی، گروه‌ها و جمعیت‌های دینی را تحت نظارت خود درآورد. به همین دلیل، همواره دین‌داران برای اخذ مجوز رسمی فعالیت، به مراکز ذی‌ربط مراجعه می‌کنند. طبق قوانین جمهوری آذربایجان، گروه‌ها و اماکن مذهبی باید خود را در قالب مجمع ثبت کنند. بر اساس گزارش شعبه گروه‌های دینی، حدود ۵۰۰ گروه و اتحادیه دینی در جمهوری آذربایجان مجوز رسمی اخذ کرده‌اند. با وجود تعداد زیاد شیعیان، مجامع آنها کمتر از اهل سنت است (همان: ص ۷۹).

گروه‌های شیعی و جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در جمهوری آذربایجان در طول سال‌های گذشته، پس از جدا شدن از ترکیب اتحاد جماهیر شوروی، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند. شروع فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی نسبتاً آشکار و حضور در صحنه‌های گوناگون این کشور، هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران برجسته‌تر شد. آنها با عنوان «خمینی‌چی‌ها» و بیشتر، از منطقه نارداران باکو ابراز وجود کردند و دست به برخی اقدامات سیاسی زدند که این امر موجب احضار و تحت فشار قرار گرفتن آنها در دستگاه‌های امنیتی و حکومتی شد. پس از سقوط رژیم کمونیستی و تشکیل اولین دولت مستقل جمهوری آذربایجان در دوران ریاست جمهوری ایلچی

بیگ، جو شدید ضدایرانی و ضداسلامی بر سیاست‌های این کشور حاکم بود. با از دست رفتن منطقه قره باغ و اشغال آن به وسیله ارمنه، حیدر علی اف قدرت را در دست گرفت و در ماه‌های ابتدایی حکومت وی، گروه‌های شیعی اسلام‌گرا، فعالیت قابل توجهی انجام دادند و حضور خوبی در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی پیدا کرده و فعالیت‌های آنان در قالب حزب اسلام از جمله تحکیم موقعیت حزبی در باکو و دیگر شهرها و همچنین اتخاذ مواضع در برابر مسائل کشور و فعالیت‌های فرهنگی دینی ادامه یافت؛ اما بعد از چند سال، حکومت حیدر علی اف با فرا رسیدن انتخابات مجلس، محدودیت‌هایی را برای گروه‌های شیعی اسلام‌گرا ایجاد کرد. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به جلوگیری از نامزدی نمایندگان حزب اسلام برای شرکت در انتخابات مجلس، لغو مجوز فعالیت رسمی این حزب و دستگیری و زندانی نمودن سران حزب اشاره نمود. در این مقطع فعالیت‌های اسلام‌گرایان در بعد سیاسی - اجتماعی دچار رکود قابل ملاحظه‌ای شد. اما بعد از آزادی برخی از رهبران گروه‌های اسلام‌گرای شیعی در سال ۱۳۷۹، مجدداً فعالیت‌های ایشان اوج گرفت. در سال‌های اخیر، تفاوت عمده‌ای در فعالیت‌های سیاسی گروه‌های شیعی در جمهوری آذربایجان نسبت به گذشته مشاهده می‌شود و آن عبارت از ظهور چندین جریان و تشکل سیاسی و حضور قدرتمند در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی و واکنش به مسائل مختلف جهان اسلام، مبارزه با اهانت به مقدسات اسلامی و تلاش‌هایی برای حضور در صحنه‌های سیاسی با وجود ممانعت‌های حکومت آذربایجان است (همان: ص ۱۳۹).

البته باید توجه داشته باشیم که حاکمیت سیاسی در همین سال‌های اخیر، محدودیت و ممنوعیت زیادی برای فعالیت‌های دینی و مذهبی اعمال نموده است. علاوه بر محدودیت‌هایی نظیر ممنوعیت حجاب و برگزاری مراسم مذهبی و عزاداری در عرصه‌های اجتماعی، فعالان مذهبی به شدت تحت کنترل بوده، شخصیت‌ها و رهبران مذهبی از جمله محسن صمداف، الهام علی اف، طالع باقرزاده، ایلقار ابراهیم‌اوغلو و غیر آنان، یا در زندان و بازداشت به سر می‌برند و یا اجازه فعالیت ندارند و اگر هم

اجازه فعالیت مذهبی داشته باشند، خیلی محدود و تحت کنترل شدید هستند. حتی اخیراً برخی از وب‌سایت‌های دینی و مذهبی فعال از جمله «دیرلر.آز، اهل‌بیت. اینفو، ملی.آز، مائده.آز، شیعه.آز و اسلامین سسی.ارگ» و خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا، به زبان آذری) مسدود شده است (۴ آبان ۱۴۰۰: qafqaz.ir). در ادامه به بررسی فعالیت‌های برخی احزاب و گروه‌های شیعی می‌پردازیم.

۱. **حزب اسلام آذربایجان:** این حزب مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حزب اسلام‌گرای شیعی است که در سال ۱۹۹۱ در شهرستان نارداران در نزدیکی باکو تأسیس شد. اعضای این حزب خواهان گسترش فرهنگ اسلامی در آذربایجان بوده و برای استقلال اقتصادی و سیاسی آذربایجان، تحت حاکمیت قوانین اسلامی مبارزاتشان را آغاز نموده، هرگونه ناسیونالیسم قومی را رد کرده، شعار گسترش و توسعه فرهنگ اسلامی را در رأس برنامه‌های خود قرار دادند. حزب اسلام معتقد است که فقط اسلام قادر به ایفای نقش سازنده در ایجاد آذربایجان مستقل است و همین اعتقاد، محور اساسی ایدئولوژی حزب اسلام آذربایجان را تشکیل می‌دهد (اشرفی، ۱۳۹۵: ص ۱). این حزب که با دبیر کلی مرحوم «حاج علی‌اکرام علی‌اف»، تأسیس شده بود، پس از ۴ سال فعالیت رسمی، در سال ۱۹۹۶، مجوز فعالیتش از سوی دولت لغو شد. این حزب گرچه در سال ۱۹۹۶ با لغو مجوز و دستگیری سران خود مواجه شد، اما به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و دینی خود ادامه داد. این حزب امروز به مهم‌ترین جریان مخالف سیاست‌های ضداسلامی در جمهوری آذربایجان تبدیل شده است و در راستای دفاع از فرهنگ، هویت و مذهب تاریخی مردم این کشور فعالیت می‌کند. هم‌اکنون رهبر این حزب، دکتر محسن صمداف، و نایب رئیس حزب، حاج الهام علی‌اف در زندان به سر می‌برند.

این حزب که ایده دولت‌گرایی دینی و ایدئولوژی تشیع سیاسی ایرانی را دنبال می‌کند، همواره موضع انتقادی در برابر دولت سکولار و غرب‌گرای باکو داشته است. مرکز تجمع اعضا و فعالیت اصلی حزب اسلامی آذربایجان شهرک «نارادان» در

نزدیکی باکوست. این شهرک که در گذشته قصبه‌ای بیش نبود، از قدیم‌الایام چهره مذهبی داشته و محل تحصیل و پرورش علمای دینی محسوب می‌شده است. دین‌داران نارادان که همگی شیعه هستند، متعصب‌ترین افراد در مسائل دینی - مذهبی در آذربایجان به شمار می‌روند. آنها چندین بار در برابر سیاست‌های ضددینی دولت باکو و خشونت‌های پلیسی آن به شدت مقاومت کرده‌اند و در برخی موارد دولت را وادار به عقب‌نشینی از برنامه‌های سخت‌گیرانه‌اش کرده‌اند (واحدی، ۱۳۸۶: ص ۸۸).

مخالفت‌های علنی اعضا و سران حزب اسلام با جنگ‌افروزی‌ها و اقدامات ضداسلامی غرب و کشورهای آمریکا و رژیم صهیونیستی و در کنار آن، اعتراض به روابط گسترده و بی‌حدومرز دولت باکو با غرب و به‌خصوص رژیم صهیونیستی، از دلایل فشارهای دولتی به این حزب به شمار می‌آید. اظهارات رهبران و اعضای حزب اسلام در حمایت از فعالیت‌های حزب الله لبنان نیز از موارد مورد اختلاف دیگر بین حاکمیت آذربایجان و حزب اسلام است؛ چرا که حاکمیت آذربایجان به امید دریافت کمک نظامی و تسلیحاتی از رژیم صهیونیستی، میدان را برای نفوذ اسرائیل در این کشور باز گذاشته است. در حوزه سیاست خارجی به نظر حزب اسلام، حکومت آذربایجان باید تمامی روابط خود را با آمریکا و اسرائیل قطع نموده و روابط خود را با ایران و ترکیه گسترش دهد. از منظر حزب اسلام، مطالبات اصلی مردم آذربایجان و حزب اسلام از دولتمردان شامل مواردی همچون شناسایی حقوق مردم مسلمان این کشور از سوی حاکمیت و پرهیز دولت از اتخاذ سیاست‌های ضد دینی؛ پایان دادن دولت به روابط رو به گسترش جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی و توجه دولت به فساد موجود در جامعه آذربایجان از قبیل رشوه‌خواری و فساد اداری می‌شود. این حزب با کمک‌ها و حمایت‌های مردمی در سراسر جمهوری آذربایجان فعالیت دارد و حتی در مواقعی که دولت به احزاب سیاسی این کشور کمک مالی کرده، حزب اسلام را از این کمک‌ها محروم ساخته است. با این حال، حزب اسلام هرگز از فعالیت سیاسی خود باز نایستاده و با وحدت و پشتیبانی مسلمانان این کشور، به سمت

اهداف خود حرکت می‌کند (۲۱ شهریور ۱۳۹۲: qafqaz.ir).

۲. **حزب دموکراتیک اسلامی:** گروهی از اعضای حزب اسلام آذربایجان در نوامبر سال ۲۰۰۲ میلادی گرد هم آمدند و حزب جدیدی را با عنوان حزب دموکراتیک اسلامی بنیان نهادند. این حزب از اصول اسلامی، دموکراتیک و ترکیب حمایت می‌کند. به دلیل مخالفت‌های دولتی، حزب دموکراتیک اسلامی هنوز نتوانسته است فعالیت‌های رسمی خود را آغاز نماید و به همین دلیل، به صورت غیررسمی فعالیت می‌کند. مواضع حزب دموکراتیک اسلامی تا حدود زیادی به مواضع حزب اسلام آذربایجان شباهت دارد (اشرافی، ۱۳۹۳: ص ۱).

۳. **دیگر گروه‌های سیاسی شیعی و تشکل‌های همسو:** در حالی که تا چند سال قبل گروه‌های اسلامی موجود در کشور آذربایجان، در حزب اسلام و چند گروه محلی منحصر بود، به دنبال بلوغ سیاسی، تفاوت دیدگاه‌ها و دور ماندن از برخوردهای حکومت، امروزه شاهد ده‌ها جمعیت و تشکل سیاسی و اجتماعی هستیم که در مقاطع گوناگون، در برابر جریان‌های پیش‌آمده واکنش نشان می‌دهند و با کنار گذاشته شدن یکی، بقیه راه آنها را ادامه می‌دهند. امروزه وقتی از شیعیان این کشور و یا صاحب‌نظران سیاسی و از حضور و نفوذ آنها سؤال می‌شود، تعداد آنها را روبه‌رشد می‌دانند.

همچنین گرایش‌های دین‌مدار به‌ویژه مطالبه حق آزادی فعالیت‌های دینی در برخی دیگر از احزاب و گروه‌های سیاسی وجود دارد. اتحادیه اسلامی حمایت از حقوق بشر شیعه‌گری آذری‌ها علاوه بر رویکردهای سنتی و مبتنی بر عادات عامیانه مردم که در بین طرفداران حزب اسلام رایج است، در اشکال روشنفکرانه و مترقی نیز تبلور یافته است. جریان مذهبی منتسب به حاجی ایلقار ابراهیم‌اوغلو روشنفکر مذهبی، مهم‌ترین جریان شیعی مدرن در آذربایجان است. حاجی ایلقار، رئیس اتحادیه اسلامی حمایت از حقوق بشر و نماینده انجمن بین‌المللی آزادی دینی در آذربایجان است. این روشنفکر مذهبی جوان که گفته می‌شود، به مدت ۸ سال به تحصیل علوم

دینی و فلسفه اسلامی در دانشگاه‌های ایران مشغول بوده، از اندیشه‌های شهید مطهری تأثیر پذیرفته است. حاجی ایلقار در کنار توجه به شیوه‌های ملایم مذهبی، از منتقدان سرسخت حاکمیت علی‌اف است و به خاطر مخالفت‌های گسترده با دولت، از ادامه امامت جماعت مسجد جامع باکو منع و با محدودیت‌های اساسی در فعالیت‌هایش مواجه شد.

برخی از تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی شیعیان این کشور عبارت‌اند از:

- مرکز دفاع از آزادی اعتقادات به رهبری ایلقار ابراهیم‌اوغلو؛
 - حزب اتحاد به رهبری حاج خودات خودی‌اف؛
 - حزب فضیلت به رهبری حاج گوندوز حاجی‌اف؛
 - حزب سبز به رهبری مائیس گل علی‌اف؛
 - اتحادیه اجتماعی دیرلر به رهبری آب گل سلیمان‌اف؛
 - اتحادیه اجتماعی بیرلیک به رهبری نامیک بابا خان‌اف؛
 - مجمع دینی مسجد جامع شهر باکو و ده‌ها جمعیت، گروه و تشکل دینی که در واکنش به مسائل داخلی و بین‌المللی، به گروه‌های سیاسی تبدیل می‌شوند.
- علاوه بر آن، ائتلاف با سایر تشکل‌های همسو، از جمله تشکیل ائتلاف اتحادیه نیروهای آذربایجان، ائتلاف مقطعی با احزاب مخالف، ائتلاف مقطعی در زمان انتخابات و ارائه فهرست مشترک، ائتلاف جمعیت‌ها و گروه‌های مذهبی در حوادثی نظیر حمله رژیم صهیونیستی به غزه و لبنان از آن جمله هستند (جباری، ۱۳۸۹: ۱۸۰).

ج) گروه‌ها و نهادهای فعال غیر شیعی

- مدارس در مناطق مختلف آذربایجان از سوی ترکیه تأسیس شده است که در آنها همراه با تحصیلات دبیرستانی، آموزه‌های اهل سنت تبلیغ می‌شود.
- مدارس و دانشگاه‌های منسوب به گروه نوری‌ها و فتح‌الله گولن در آذربایجان در چارچوب اندیشه‌های اهل سنت فعالیت می‌کنند. البته فعالیت این مدارس و دانشگاه‌ها، بعد از کودتای ناموفق در ترکیه و متهم شدن فتح‌الله گولن، محدود

شد و بخش قابل توجهی از این مراکز تعطیل شد.

- مراکز و سازمان‌های مذهبی با گرایش وهابیت از طرف عربستان سعودی در این کشور حمایت شده و در حال فعالیت هستند. فعالیت‌های این سازمان‌ها شامل مواردی نظیر تأسیس مدارس مختلف، اعزام طلبه‌های مستعد به دانشگاه‌های عربستان، تعمیر و بنای مساجد، و ترجمه و نشر کتب ضدشیعی به صورت گسترده است. طلابی که از دانشگاه‌های عربستان، کویت، مصر و سوریه به کشور بازمی‌گردند، می‌توانند در دانشگاه‌های این کشور مشغول تدریس شوند (رضایی، ۱۳۹۴، ج ۲: ص ۵۵).

علل واگرایی جریان‌های اسلامی و نظام سیاسی در آذربایجان

با توجه به مطالب مطرح‌شده، مشخص گردید که در جمهوری آذربایجان، جریان‌های اسلامی و نظام سیاسی با یکدیگر تعامل چندانی ندارند و همواره تنش و درگیری‌هایی بین حاکمیت و جریان‌های اسلامی به‌ویژه جریان‌های شیعی وجود داشته است. این نحوه روابط متأثر از علل و عواملی است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

الف) ماهیت سکولاریستی نظام سیاسی

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، جمهوری آذربایجان قانون اساسی لائیک داشته و دین از دولت جداست. پذیرش مسئولیت‌ها برای شخصیت‌های دینی و عملاً فعالیت‌های سیاسی برای جریان‌های سیاسی ممنوع شده است. همچنین بر طبق قانون اساسی، هرگونه تبلیغی که منجر به تحریکات مذهبی شده و یا باعث تشنجات اجتماعی و خصومت گردد، ممنوع است (قانون اساسی جمهوری آذربایجان، اصل ۴۷، بند ۳).

بنابراین، حاکمیت با استناد به قانون اساسی و آیین‌نامه‌های مأخوذ از قانون اساسی، امروزه محدودیت‌های زیادی برای شخصیت‌ها و جریان‌های اسلامی اعمال می‌کند و حتی مانع برخی مراسم مذهبی از جمله عزاداری ماه محرم در سطح معابر عمومی می‌شود. همچنین حاکمیت تلاش می‌کند تا گروه‌ها، جریان‌های دینی و

اماکن مذهبی، از جمله مساجد و زیارتگاه‌ها را تحت نظارت خود درآورد. طبق قوانین جمهوری آذربایجان، گروه‌ها و اماکن مذهبی باید مجوز رسمی از دولت داشته باشند. براین اساس، در صورتی که جریان‌های اسلامی به دنبال فعالیت و اقدامات سیاسی به‌ویژه فعالیت‌های انتقادی و تقابلی با حاکمیت باشند، با اعمال محدودیت نظام سیاسی مواجه می‌شوند.

ب) ویژگی‌های فرهنگی، دینی و جامعه‌شناختی آذربایجان

اگرچه بیش از ۹۰ درصد از جمعیت جمهوری آذربایجان مسلمان هستند، ولی وابستگی دینی در این کشور بیشتر اعتباری است. پیروان واقعی و مؤمنان فعال بسیار اندک هستند که به سنت‌های اسلامی پایبند بوده و از آداب، رسوم و آموزه‌های اسلامی پیروی می‌کنند. بخش قابل توجهی از جمعیت مسلمان این کشور با قرار گرفتن تحت تأثیر تبلیغات و افکار ناسیونالیستی، سکولاریستی و غرب‌گرایانه غالباً مواضع غیردینی و گاه ضددینی دارند. اکثریت جمعیت مسلمان این کشور با وجود قبول اصول اسلام، هنوز معتقد به ضرورت و اهمیت نگرش سیاسی به اسلام نیستند.

کشور آذربایجان از نظر فرهنگی و جامعه‌شناختی با توجه به تغییر و تحولات پیش‌آمده در یک قرن گذشته، از جمله قرار گرفتن تحت حاکمیت ضددینی نظام کمونیستی، محور هویتی قرار گرفتن فرهنگ و زبان ترکی آذربایجانی، تحت تأثیر قرار گرفتن روحیات و خلیات مردم این کشور از موسیقی، هنر و ادبیات آذری به‌ویژه در دوران استقلال، وضعیت ویژه‌ای دارد و این مسئله باعث شکل‌گیری چندگانگی فرهنگی در این کشور شده است. بنابراین، اقلیتی از جمعیت مسلمان و شیعه این کشور پایبند به آموزه‌ها و سنت‌های اسلامی بوده و از نظر اجتماعی - سیاسی، نگرش سیاسی به اسلام دارند و معتقدند که اسلام باید اقتدار سیاسی داشته و بر مبنای اصول خود جامعه را اداره نماید. در این زمینه از بین جریان‌های اسلام‌گرای آذربایجانی می‌توان به «حزب اسلام» اشاره کرد. لذا در تحلیل روابط و تعامل جریان‌های اسلامی با حاکمیت سیاسی، بایستی این ویژگی‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی مورد

ملاحظه قرار گیرد (میری مینق و حاجی‌زاده، ۸ مرداد ۱۳۹۶: qafqaz.ir/fa).

ج) گرایش‌ها و سیاست‌های سکولاریستی و غرب‌گرایانه حاکمان

همانگونه که در مباحث پیشین اشاره گردید، هرچند که در کشور آذربایجان، حاکمیت در اختیار مسلمانان شیعه است، لکن شخصیت‌های سیاسی که زمام امور کشور را در دست دارند، اغلب گرایش دینی عمیقی ندارند و بیشتر به دنبال حکومتی سکولار و لیبرال هستند. بنابراین، حاکمان این کشور سعی دارند موضع برابری نسبت به جمعیت بالای ۹۰ درصدی مسلمان و جمعیت کمتر از ۱۰ درصدی غیرمسلمان نشان دهند، حتی در مواردی اقلیت‌های دینی بیشتر مورد حمایت حاکمیت قرار می‌گیرند؛ برای مثال در باکو پایتخت جمهوری آذربایجان، یهودیان تحت تدابیر شدید امنیتی می‌توانند مراسم سالانه خود را در مرکز شهر برگزار کنند؛ درحالی‌که شیعیان این کشور برای برگزاری مراسم عاشورا با موانع و محدودیت مواجه می‌شوند.

با توجه به حضور افراد سکولار و یا در مواردی ضددین در داخل نهادهای حکومتی آذربایجان، زمینه برای اعمال محدودیت برای جریان‌های اسلامی فراهم بوده و انجام اقداماتی نظیر ممنوعیت حجاب در مدارس، تخریب برخی مساجد، محدودیت برای انجام مراسم مذهبی در راستای مهار حرکت‌های اسلامی و سکولارسازی جامعه صورت می‌گیرد. در مجموع حاکمیت آذربایجان در حد اسلام سکولار و غیرسیاسی آنها را پذیرفته و نمی‌خواهد این اسلام سکولار به اسلام سیاسی تبدیل شود.

د) اقدامات و عملکرد جریان‌های اسلامی

از جمله عوامل ناسازگاری جریان‌های اسلامی و نظام سیاسی در آذربایجان را می‌توان در برخی از عملکردهای جریان‌های اسلامی نیز ردیابی نمود. جریان‌های اسلامی در این کشور عمدتاً دو نوع هستند: نوع اول جریان اسلامی سکولار که در عین داشتن اعتقاد به آموزه‌های دینی و پایبندی به ارزش‌های اسلامی، قرائت سکولار و غیرسیاسی از اسلام داشته و معمولاً در امور سیاسی دخالتی نمی‌کنند و در برابر مسائل سیاسی و عملکرد نظام سیاسی و حاکمان موضع خاصی ندارند. این نوع

جریان‌ها، اغلب با نظام سیاسی تعامل داشته و تنش خاصی بین این جریان‌ها و نظام سیاسی اتفاق نمی‌افتد و نظام سیاسی نیز جریان‌های اسلامی سکولار را به رسمیت می‌شناسد. اما نوع دوم جریان اسلامی، جریان اسلام سیاسی است که معتقد به حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی - سیاسی بوده و نگرش سیاسی به اسلام دارد و معتقد است که اسلام باید اقتدار سیاسی داشته و بر مبنای اصول خود، جامعه را اداره کند. این در حالی است که نظام سیاسی آذربایجان بر طبق قانون اساسی لائیک بوده و ورود جریان‌ها و شخصیت‌های دینی را به عرصه دولتی و سیاسی ممنوع می‌داند. در مواردی برخی از شخصیت‌ها و افراد منسوب به این جریان‌های اسلامی دست به اقداماتی می‌زنند که منع قانونی دارد و طبیعتاً با برخورد حاکمیت مواجه می‌شود. از طرفی نیز با توجه به ویژگی‌های خاص دینی و فرهنگی جامعه آذربایجان که چندگانگی فرهنگی در آن حاکم بوده و اقلیتی از جمعیت مسلمان و شیعه این کشور در عمل پایبند به آموزه‌ها و سنت‌های اسلامی هستند، این جریان اسلامی پایگاه اجتماعی چندان گسترده‌ای ندارد و این مسئله دست حاکمیت را در برخورد با این جریان باز می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

اگرچه جمهوری آذربایجان به‌عنوان دومین کشور شیعه جهان، تحت حاکمیت دولتی سکولار اداره می‌شود، لکن دین اسلام به‌خصوص مذهب تشیع در این کشور، عنصر مهم هویتی به حساب می‌آید. به همین دلیل، از زمان استقلال، جریان‌های اسلامی در این کشور در عرصه اجتماعی - فرهنگی و حتی سیاسی، به کنش‌گری جدی پرداختند و در حال حاضر، به‌عنوان نیروی اجتماعی مؤثر در فضای سیاسی آذربایجان محسوب می‌شوند و فعالیت‌های فرهنگی و دینی از سوی این جریان‌ها صورت می‌گیرد. براین اساس، مردم این کشور روز‌به‌روز گرایش بیشتری به اسلام و شناخت بیشتری از آن پیدا می‌کنند و علی‌رغم اینکه سالیان متمادی از اسلام و تشیع دور‌نگه‌داشته شده‌اند، باور و تعلق به اسلام و تشیع، از روح و جان آنان رخت برنسته است و هنوز هم می‌توان بروز و ظهور زیبای آن را در کوچه و خیابان، مساجد، برخورد مردم با یکدیگر و... دید. امروزه در آذربایجان فضای اسلام‌گرایی البته با گرایش‌های مختلف در حال رشد و گسترش است و اتفاقاً حاکمیت آذربایجان نیز در حد اسلام سکولار و غیرسیاسی، آن را پذیرفته است.

البته حاکمیت نمی‌خواهد این اسلام سکولار به اسلام سیاسی تبدیل شود. بنابراین در همین سال‌های اخیر، محدودیت و ممنوعیت زیادی برای فعالیت‌های دینی و مذهبی اعمال نموده است. علاوه بر محدودیت‌هایی نظیر ممنوعیت حجاب و برگزاری مراسم مذهبی و عزاداری در عرصه‌های اجتماعی، فعالان مذهبی به شدت تحت کنترل بوده، شخصیت‌ها و رهبران مذهبی یا در زندان و بازداشت به سر می‌برند و یا اجازه فعالیت ندارند و اگر هم اجازه فعالیت مذهبی داشته باشند، خیلی محدود و تحت کنترل شدید هستند. حتی برخی از مراکز مذهبی تعطیل، و برخی از وبسایت‌های دینی فعال مسدود شده است و این مسئله باعث شده برخی از علما و شخصیت‌های مذهبی در این کشور محافظه‌کاری در پیش بگیرند. ناگفته نماند که این نوع رابطه بین جریان‌های اسلامی و حاکمیت، ناشی از عواملی همچون ماهیت

سکولاریستی نظام سیاسی، ویژگی چندگانگی فرهنگی جامعه آذربایجان، گرایش‌های سکولاریستی حاکمان و برخی اقدامات جریان‌های اسلامی است. در مجموع با وجود همه آنچه از مشکلات دین‌داری و نیز موانعی که حاکمیت در این کشور به وجود آورده، قرائن نشان از رشد و گسترش گرایش‌های دینی و اسلام‌گرایانه در جمهوری آذربایجان دارد که می‌تواند در آینده نقش عمده‌ای برای این کشور در پیشرفت ایجاد کند.

فهرست منابع

۱. اشرافی، مرتضی (۱۳۹۳)، *تعامل و یا سلطه روسیه بر تاریخ سیاسی جمهوری آذربایجان*. پایگاه سیاسی اجتماعی کریمه اهل بیت (س)، به نشانی اینترنتی: www.karimeh.com.
۲. اشرافی، مرتضی (۱۳۹۵)، *شیعیان جمهوری آذربایجان در گذر زمان*، منتشره در سایت خبرگزاری حوزه به نشانی اینترنتی: <https://www.hawzahnews.com/news/409766>.
۳. انصاری مهر، رضا (۱۳۸۴)، «*دین و مذهب در جمهوری آذربایجان*»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی (طلوع نور سابق)، شماره ۱۶، زمستان.
۴. بی‌نام (۱۳۹۶)، *گزارش نشست هیئت کمیته دولتی همکاری با سازمان‌های دینی جمهوری آذربایجان*، ۱۴ تیر، منتشره در سایت خبرگزاری بین‌المللی قرآن به آدرس اینترنتی: <https://iqna.ir/fa/news/3615822/>.
۵. بی‌نام (۱۳۹۸)، *قانون اساسی جمهوری آذربایجان*، برگردان: علاءالدین ملکاف، انتشارات مرکز نشر.
۶. بی‌نام (۱۳۹۱)، *شیعیان جمهوری آذربایجان در ماه محرم*، ۲۹ آبان، منتشر شده در: <http://fa.arannews.com/News/34318>.
۷. بی‌نام (۱۳۹۲)، *همه چیز درباره حزب اسلام، مردمی‌ترین حزب آذربایجان*، ۲۱ شهریور: <https://qafqaz.ir/fa>.
۸. تقی‌زاده داوری، محمود (۱۳۹۰)، *گزارشی از آمار جمعیتی شیعیان کشورهای جهان بر اساس منابع اینترنتی و مکتوب*، قم، انتشارات شیعه‌شناسی.
۹. جباری، ولی (۱۳۸۹)، *شیعیان جمهوری آذربایجان*، قم، انتشارات شیعه‌شناسی.
۱۰. جعفریان، رسول (۱۳۸۸)، *اطلس شیعه*، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶)، *دائرةالمعارف فرهنگ ملل*، قم، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
۱۲. خبرگزاری آران (۱۳۸۷)، ۷ اردیبهشت.
۱۳. خبرگزاری ایکنا (۱۴۰۰)، ۴ آبان، به آدرس اینترنتی: <https://qafqaz.ir/fa/>.
۱۴. خضزلو، رسول (۱۳۸۵)، *مسیحیت و وهابیت در آذربایجان*، قم، دفتر مطالعات و کارشناسی کشورها، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۵. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۸۹)، *جمهوری آذربایجان* (کتاب سبز)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۶. رضایی، حسن و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴)، *وضعیت‌شناسی شیعیان در جهان معاصر*، قم، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.

۱۷. رضایی، حسن (۱۳۹۶)، *وضعیت‌شناسی جهان اسلام و مسلمانان در مناطق مختلف جهان*، قم، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
۱۸. گلی زواره‌ای، غلامرضا (۱۳۷۷)، *شناخت کشورهای اسلامی*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. گلی زواره‌ای، غلامرضا (۱۳۸۵)، *جغرافیای جهان اسلام*، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۰. میری مینق، جواد و حاجی‌زاده، عاصف (۱۳۹۶)، *بررسی وضعیت اسلام‌گرایان جمهوری آذربایجان*، ۰۸ مرداد: <https://qafqaz.ir/fa>
۲۱. واحدی الیاس (۱۳۸۶)، *هویت قومی در جمهوری آذربایجان*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۲۲. واحدی، الیاس (۱۳۸۲)، *برآورد استراتژیک آذربایجان*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
23. <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/azerbaijan>.
24. <https://www.worldometers.info/world-population/azerbaijan-population>